

آن سوی خاطرات
(۲۵۰ خاطره از سفر به ۲۵ کشور جهان)

حسن بسطامی



مرکزین المللی
ترجمه ونشر
المصطفی

۱۳۰۱ معاونت پژوهش

سرشناسه:	بسطامی، حسن، ۱۳۲۰ -
عنوان و نام پدیدآور:	آن سوی خاطرات (۲۵۰ خاطره از سفر به ۲۵ کشور جهان) / مؤلف حسن بسطامی.
مشخصات نشر:	قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع)، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	۶۲۳ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۴۲۹-۱۱۵-۶
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه.
موضوع:	بسطامی، حسن، ۱۳۲۰ - — خاطرات
موضوع:	طلاب — ایران — خاطرات
موضوع:	Islamic seminarians— Iran — Diaries
رده یونیسکو:	۱۳۹۵ ۱۸۵۵/۷ BP۲۵۴
ه بندی دیو:	۲۹۷/۶۵۶
شابک استاندارد:	۴۵۰۳۳۴۹

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

آن سوی خاطرات (۲۵۰ خاطره از سفر به ۲۵ کشور جهان)
 مؤلف: حسن بسطامی
 چاپ اول: ۱۳۹۵ اش / ۱۴۳۸ ق
 ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع)
 ● چاپ: نارنجستان ● قیمت: ۱۶۵۰۰۰ ریال ● بارگان: ۳۰۰ نسخه

مراکز پخش

ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸
 تلفن: ۰۲۵ ۳۷۸۳۹۳۰۵ - ۹ (داخلی ۱۰۵) تلفکس: ۰۲۵ ۳۷۸۳۹۳۰۵
 ایران، قم، بلوار محمدامین، سه راه سالاریه. تلفن: ۰۲۵ ۳۲۱۳۳۱۰۶
 ایران، قم، مجتمع ناشران، طبقه سوم واحد ۳۰۸. تلفن: ۰۲۵ ۳۷۸۴۲۴۰۲
 pub.miu.ac.ir ✉ miup@pub.miu.ac.ir 🌐 https://telegram.me/pub_almostafa

مسابقاتی از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثر یاری رساندند.

- مدیر انتشارات: مرتضی محمدعلی نژاد شانی
- مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری
- ناظر فنی: محمدباقر شکری
- ناظر گرافیک: سعید مهدوی
- ناظر چاپ: نعمت‌الله یزدانی

سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فرا روی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای‌بندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب استیسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیبه به‌ویژه مسلمانان بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) می‌باشد.

«جامعة المصطفیٰ (ص) العالمية» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمدی (ص) «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ (ص)» را تأسیس کرده است.

در پایان لازم می‌دانیم تقدیر و تحسین و عزیزی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش به‌منفعه‌سازند.

مرکز بین‌المللی
ترجمه و نشر المصطفیٰ (ص)

فهرست اجمالی

سخن ناشر / ۱۵

به جان مقدمه / ۱۸

بخش اول / برخی از ویژگی‌های مبلغان خارج از کشور / ۲۵

بخش دوم / تطبیقاتی در تقریب بین مذاهب اسلامی / ۲۶۹

بخش سوم / نگاهی نو به ادیان توحیدی و آیین بشری / ۳۴۷

بخش چهارم / گسترش دین اسلام در عنایت به انواع زبان‌ها / ۳۷۵

بخش پنجم / فرصتی در محضر قرآن کریم / ۴۱۲

بخش ششم / محرم و عاشورا در دیگر کشورها / ۴۲۹

بخش هفتم / دین‌داران بی‌شریعت!! / ۴۹۱

بخش هشتم / آشنایی با برخی از مراکز آموزشی در کشورها / ۵۵۵

فهرست تفصیلی

۲۵	بخش اول / برخی از ویژگی‌های مبلغان خارج از کشور
۲۶	فصل اول - شجاعت و نهراسیدن از تهدیدها و جوسازی‌ها
۲۸	۱. استقامت تا تثبیت مذهب جعفری!
۳۰	۲. شهادت حمایت از رهبری که غروب ندارد!
۳۱	۳. ناامنی در شهر سائوپائولو
۳۳	۴. نهراسیدن از انجام وظیفه
۳۵	۵. در یونسف مرا به قتل تهدید کردند!
۴۱	۶. یزید گندمی از تبار ابراهیم
۴۴	۷. شهادت! داش! ای مجاهدان فی سبیل الله
۴۶	۸. مرا نیز باطلات کشتند!
۵۰	۹. مأمورین صدام مرا قتل می‌بودند یا مواظب ما؟!
۵۴	۱۰. زبان گویای انقلاب اسلام در سبزه قاره
۵۸	۱۱. شیخ سکندر حسین؛ شخصی شجاع و استوار
۶۰	۱۲. نهراسیدن از تبلیغات مسموم دشمنان
۶۲	فصل دوم - مصمم بودن، سخت گوش زدن و تحمل کردن مشکلات
۶۴	۱۳. حضور در تبعیدگاه امام خمینی در بوم‌سما
۶۶	۱۴. زندگی در مناطق محروم
۶۷	۱۵. عزمی راسخ برای انجام وظیفه
۶۹	۱۶. هجرت در سن یازده سالگی
۷۲	۱۷. زنی که مردانه مقاومت کرد!
۷۳	۱۸. تحمل رنج دوری از خانواده
۷۶	۱۹. کیفیت پذیرایی میزبانان
۷۷	۲۰. باز هم حمام صحرائی!
۸۰	۲۱. عزیمت به ۱۸ شهر و روستای ۱۵ روز!
۸۲	۲۲. تحمل تنهایی‌ها در غربت!
۸۴	۲۳. تهیه غذای مناسب و حلال!
۹۱	۲۴. مشکلات اجاره‌ی منزل در غربت!



- ۹۳ ۲۵۴ باز دید از ۲۶ مدرسه‌ی علمیه طی ۵ روز!
- ۱۰۰ فصل سوم - شناخت دقیق منطقه و روحیات مردم
- ۱۰۲ ۲۶۴ آموزش توأمان پسران و دختران
- ۱۰۲ ۲۷۴ خون دادن بجای قهوه زدن
- ۱۰۳ ۲۸۴ دختر دادن به غیر سادات
- ۱۰۴ ۲۹۴ افطار روزه بر فراز منبر!
- ۱۰۶ ۳۰۴ دهه‌های گل با اسکناس روپیه
- ۱۰۷ ۳۱۴ جانبداری ترکیه از ایران یا از آمریکا
- ۱۰۹ ۳۲۴ شب تسبیحاً جمع بندی مباحث آزمون!
- ۱۱۰ ۳۳۴ نکال؛ نکال از عقیده به دعا
- ۱۱۱ ۳۴۴ بر نیاید پایتختی گران قیمت
- ۱۱۶ فصل چهارم - صور مذهب تبلیغی در میان مردم
- ۱۱۸ ۳۵۴ ما شیعه نمی‌شویم؟!
- ۱۱۸ ۳۶۴ چرا شیعیان مسیح می‌شوند؟
- ۱۱۹ ۳۷۴ شیعیانی که دست بستن نماز می‌خوانند!
- ۱۲۱ ۳۸۴ جشن سالگرد انقلاب تونس
- ۱۲۶ ۳۹۴ اهمیت ازدواج طلاب با طالبات!
- ۱۲۷ ۴۰۴ مراکز مذهبی در جزیره‌ی زنگبار
- ۱۳۰ ۴۱۴ ماهواره مهم‌تر از آب، برق، راه، بهداشت و امنیت؟!
- ۱۳۴ ۴۲۴ من از مسجد و محراب بیزار شدم؟!
- ۱۳۵ ۴۳۴ جلسه‌ی فرهنگی در رزیدانس سفیر ج.ا.ا
- ۱۳۷ ۴۴۴ اهتمام به سنت جشن عمامه گذاری
- ۱۴۱ ۴۵۴ تحکیم حزب الله لبنان در سایه‌ی حضور مستمر روحانیون
- ۱۴۱ ۴۶۴ خداوند مرا به حضور نپذیرفته است!
- ۱۴۵ ۴۷۴ نهالی که بطور مستمر نیازمند مری می‌باشد
- ۱۴۹ فصل پنجم - فعالیت در راستای نیاز مردم منطقه
- ۱۵۱ ۴۸۴ تأسیس مدارس غیرانتفاعی
- ۱۵۲ ۴۹۴ دار الأیتام امام علی (ع)
- ۱۵۵ ۵۰۴ مدرسه‌ی اسلامی - برزیلی در سانتوپائولو
- ۱۵۷ ۵۱۴ تأسیس مثلثی از میم!
- ۱۵۹ ۵۲۴ از تبلیغات فرهنگی تا تأسیس حوزه‌ی علمیه!



- ۱۶۱ * ۵۳ پرورش جواهراتی گران بهاء در نفلیس!
- ۱۶۵ * ۵۴ تأسیس یک مرکز تربیت معلم در بورکینافاسو
- ۱۶۷ * ۵۵ نجف اشرف در کشور سنگال!
- ۱۶۹ * ۵۶ تدبیری نو برای اشتغال فارغ التحصیلان
- ۱۷۰ * ۵۷ تثبیت هویت شیعی در تانزانیا
- ۱۷۲ * ۵۸ مساوات اسلامی در مسجد خوجه‌ها!
- ۱۷۴ * ۵۹ نیاز روستاهای کشور به حوزه‌ی علمیه!
- ۱۷۶ * ۶۰ ضرورت پرورش مبلغ و روحانی بومی
- ۱۷۸ * فصل ششم - پرهیز از گمراهات قومی و ملیتی
- ۱۸۰ * ۶۱ سربازان بهاری و بنگالی
- ۱۸۱ * ۶۲ مسلمانان عرب در برزیل
- ۱۸۲ * ۶۳ مسلمانان ازبوزیان در میانمار
- ۱۸۲ * ۶۴ شیعیان خوجه و بومی در افریقا
- ۱۸۴ * فصل هفتم - مباحث با شیخانات، بدعت‌ها و شبهه افکنی‌ها
- ۱۸۶ * ۶۵ شهادت ثالثه
- ۱۸۷ * ۶۶ اغراق در تعریف مسجد
- ۱۸۸ * ۶۷ تفسیر غلطی از سینه‌ری و شیرزنی
- ۱۸۹ * ۶۸ ازدواج سادات با غیر سادات ممنوع!
- ۱۹۱ * ۶۹ چرا برخی از مردان زدن زنان را واجب دانند؟
- ۱۹۶ * فصل هشتم - استفاده‌ی بهینه از فرصت‌ها و امکانات
- ۱۹۸ * ۷۰ تغییر کاربری کلیسا به مسجد
- ۱۹۹ * ۷۱ برزیل؛ تبلیغات دینی و ستارا
- ۲۰۲ * ۷۲ تبدیل مقبره به مدرسه!
- ۲۰۳ * ۷۳ بهره‌برداری از حکم سنگسار سکینه خانم!
- ۲۰۴ * ۷۴ ایراد سخنرانی در فرصت‌های ممکن
- ۲۰۶ * ۷۵ سربازان خوش نام امام زمان (عج)
- ۲۰۷ * ۷۶ پرهیز از هدر رفتن امکانات فرهنگی و تبلیغی
- ۲۰۹ * ۷۷ کووی تیا و فرصت تبلیغ در یکشنبه‌بازار
- ۲۱۱ * ۷۸ گسترش مدارس علمیه‌ی خواران در پاکستان
- ۲۱۳ * ۷۹ معرفی اسلام در دانشگاه ماهیدول
- ۲۱۴ * ۸۰ تأسیس مسجد روح‌الله در تایلند

- ۲۱۵ * ۸۱ * عذو شود سبب خیر گر خدا خواهد!
- ۲۱۸ * ۸۲ * فرهنگ ایرانی خیلی بهتر است!
- ۲۱۹ * ۸۳ * شیرخون به جای شیرموز!
- ۲۲۳ * ۸۴ * بریدن سر گوسفند یا سر ذابیح؟
- ۷۳۲ فصل نهم - پرهیز جدی از گرفتاری در دام شهوات:
- ۲۲۹ * ۸۵ * گرفتار آمدن در دام شهوات جنسی!
- ۲۳۰ * ۸۶ * از هم تا فوز!
- ۲۳۲ * ۸۷ * مشارکت در جشن های مردمی یا کارنوال های فسادبرانگیز!
- ۲۳۵ * ۸۸ * صرفه جویی اختیاری در انتخاب هتل!
- ۲۳۸ * ۸۹ * حفظ بهانه بیزنس کلاس پرواز می کنم!
- ۲۴۰ * ۹۰ * شستن برهنه از لباس هایم در هتل!
- ۲۴۱ * ۹۱ * دوری از نگاه حتی در عرصه ی مجازی!
- ۳۴۲ * ۹۲ * پارادوکس شادی و غمت در صنعت توریسم!
- ۲۴۷ فصل دهم - توجه به زیبایی و سحر مراکز دینی و آموزشی
- ۲۴۹ * ۹۳ * فیصل مسجد در اسلام آباد
- ۲۵۰ * ۹۴ * مسجد بیت المکرم در بنجلادش
- ۲۵۱ * ۹۵ * حسینیه ی خوجه ها در کراچی
- ۲۵۱ * ۹۶ * حوزه ی علمیه ی خاتم النبیین (ص) در کابل
- ۲۵۳ * ۹۷ * تدبیر و اراده ی بشری در خدمت عقاید اسلامی
- ۲۵۶ * ۹۸ * کلیسای سامبا در گرجستان
- ۲۵۷ * ۹۹ * معبد شدوگان در میانمار
- ۲۵۹ * ۱۰۰ * مسجد محمد امین در بیروت
- ۲۶۰ * ۱۰۱ * مسجد سلطان احمد در استانبول
- ۲۶۱ * ۱۰۲ * پادشاهی مسجد؛ عبادتگاهی کم نظیر
- ۲۶۶ * ۱۰۳ * اماکن مقدس و تاریخی؛ حفظ یا تخریب و تجدید آن ها
- ۲۶۹ بخش دوم/ خاطراتی در تقرب بین مذاهب اسلامی
- ۲۷۲ * ۱۰۴ * مشارکت در نماز جمعه ی مرکز اسلامی سالوادور
- ۵۷۲ * ۱۰۵ * حتی یک جمله ی اختلاف برانگیز!
- ۶۷۲ * ۱۰۶ * قبول هدیه از مشرکین
- ۲۷۷ * ۱۰۷ * نماد وحدت در مساجد ترکیه
- ۲۷۸ * ۱۰۸ * احساسات حضرت علی (ع)!

- ۲۷۹ ♦ ۱۰۹ ♦ نذری اهل سنت در روز عاشورا!
- ۲۸۰ ♦ ۱۱۰ ♦ عدم ممانعت از دسته‌ی عزاداری
- ۲۸۱ ♦ ۱۱۱ ♦ زیارت در آرامگاه گنج‌بخش
- ۲۸۲ ♦ ۱۱۲ ♦ گرامی داشت نهم ماه ربیع از سوی استعمار انگلیس!
- ۲۸۳ ♦ ۱۱۳ ♦ شیعه و سنی هم‌سنگران دوران جهاد!
- ۲۸۵ ♦ ۱۱۴ ♦ تجلیل مفتی اهل سنت از سیدالشهداء^ع
- ۲۸۶ ♦ ۱۱۵ ♦ بازدید از جامعه‌ی سلفی دعوه الحق
- ۲۸۸ ♦ ۱۱۶ ♦ نماز جمعه‌ی مشترک در کوریتیا
- ۲۹۰ ♦ ۱۱۷ ♦ آیا شیعیان صحابه‌ی پیامبر را مسب می‌کنند؟!
- ۲۹۲ ♦ ۱۱۸ ♦ المسکبه الشامله در تونس
- ۲۹۳ ♦ ۱۱۹ ♦ منزل امام جمعه‌ی فوزدوایگواسوا
- ۲۹۵ ♦ ۱۲۰ ♦ ملاقات با رئیس دانشگاه زیتونه
- ۲۹۷ ♦ ۱۲۱ ♦ برخی از شعائر کاذب مذهبی
- ۳۰۰ ♦ ۱۲۲ ♦ کویدین و طبل تنفقه؟!
- ۳۰۲ ♦ ۱۲۳ ♦ میثاق علماء تونس
- ۵۰۳ ♦ ۱۲۴ ♦ اگر شیعه در تونس گسترش یابد!
- ۳۰۸ ♦ ۱۲۵ ♦ جهاد النکاح؛ تقویت روحیه‌ی جنگجویان؟!
- ۳۱۱ ♦ ۱۲۶ ♦ کدام کشته شهید محسوب می‌گردد؟!
- ۳۱۴ ♦ ۱۲۷ ♦ برای گسترش دوستی آذنی مناسب کجاست؟!
- ۳۱۶ ♦ ۱۲۸ ♦ شیعه و سنی، فدای حفظ اسلام!
- ۳۱۹ ♦ ۱۲۹ ♦ گوشه‌هایی از ایمان و معرفت در آذربایجان
- ۳۲۴ ♦ ۱۳۰ ♦ ذکر برای تقویت اراده!
- ۳۲۶ ♦ ۱۳۱ ♦ اسلام بوکو حرامی؛ نه اسلام شیعی است و نه سنی؟!
- ۳۲۸ ♦ ۱۳۲ ♦ توفیق نجات؛ توسل به اولیای الهی
- ۳۳۱ ♦ ۱۳۳ ♦ شهید جوزان، زیارتگاه مشترک شیعه و سنی
- ۳۳۵ ♦ ۱۳۴ ♦ چه کسانی نگران وحدت اسلامی هستند؟!
- ۳۳۶ ♦ ۱۳۵ ♦ جشن‌های مولدالنبی؛ شعائر الهی یا بدعتی در دین!
- ۳۳۹ ♦ ۱۳۶ ♦ تحمل رفتار عبادی سایر مسلمانان
- ۳۴۰ ♦ ۱۳۷ ♦ آیا صعود به غار حرا بدعت است؟!
- ۳۴۳ ♦ ۱۳۸ ♦ مرقدی وحدت‌آفرین در ساحل دریای عرب

بخش سوم/ نگاهی نو به ادیان توحیدی و آیین بشری:

- ۳۴۷ * حضور صهیونیست‌ها در این کلیسا ممنوع!
 ۳۴۹ * قیام بردگان مسلمان در باهیا!
 ۳۵۱ * بازدید از معبد طلایی بودا
 ۳۵۳ * مرکز بین‌المللی مطالعات اسلام و مسیحیت
 ۳۵۵ * شهری با پنجاه کلیسا و یک مسجد!
 ۳۵۶ * تأسیس دانشگاه اسلامی غنا
 ۳۶۰ * دعا در کلیسا، نماز در مسجد!
 ۳۶۴ * برادران ادیان و مذاهب در دارالسلام
 ۳۶۵ * ژرانیای جامع کثرت اقوام و تنوع ادیان
 ۳۶۷ * سلامت جسمانی در آفریقا!
 ۳۶۹ * سیده لیلیا، عبادتگاه مسیحیان و زیارتگاه مسلمانان

بخش چهارم/ گسترش دین اسلام در عنایت به انواع زبان‌ها

- ۳۷۳ فصل اول - توجه به زبان مردم خطه
 ۳۷۵ * ترجمه‌ی قرآن کریم به زبان گرجی
 ۳۷۷ * ترجمه‌ی متون اسلامی و شیعی به زبان بنگالی
 ۳۷۹ * ترجمه‌ی منابع اسلامی و شیعی به زبان پرتغالی
 ۳۸۰ * ترجمه‌ی منابع معتدل دینی به زبان پشتون
 ۳۸۱ فصل دوم - کارآمدی زبان‌های مختلف دنیا در گسترش اسلام
 ۳۸۲ * چگونه فرهنگ ناب اسلامی گسترش می‌یابد!
 ۳۸۴ * زبان انگلیسی؛ ابزاری کارآمد در گسترش تعالیم اسلام
 ۳۸۵ فصل سوم - وضعیت زبان فارسی در دیگر کشورها
 ۳۸۷ * آموزش خط نستعلیق در تونس
 ۳۹۰ * ضرورت گسترش زبان فارسی در قرقیزستان
 ۳۹۲ * اشعار فارسی در محله‌ی مورچگان
 ۳۹۴ * فارسی‌ستیزی دولت آذربایجان
 ۳۹۶ * آثاری از زبان فارسی در قبرستان یانگون
 ۳۹۹ * اقبال لاهوری و اهتمام به زبان فارسی
 ۴۰۰ * طلاب اندونزی؛ در دوراهی زبان فارسی یا عربی!
 ۴۰۲ * زبان فارسی در دانشگاه آرابائیف
 ۴۰۴



- ۴۰۴ ♦ ۱۶۴ زبان دوم در دانشگاه های تفلیس
۴۰۶ ♦ ۱۶۵ اشتیاق به زبان فارسی در افریقا!
۴۰۷ ♦ ۱۶۶ دعای امام سجاد برای جزیره ی زنگبار
۴۱۱ ♦ فصل چهارم - خدمتی بزرگ به زبان فارسی:

۴۱۳ بخش پنجم / فرصتی در محضر قرآن کریم

- ۴۱۵ ♦ ۱۶۷ نوری که در آذربایجان ابدی خواهد ماند!
۴۱۶ ♦ ۱۶۸ شب نزول قرآن در استانبول
۴۱۸ ♦ ۱۶۹ شب قدر، شب نزول قرآن بر قلب مومن!
۴۲۰ ♦ ۱۷۰ استانبول؛ تاسیس مرکز آموزش و تحقیقات قرآن
۴۲۰ ♦ ۱۷۱ حضور قرآن در جوار معبد طلایی بودا
۴۲۳ ♦ ۱۷۲ امتیاز امیر هیچ گاه مستغنی از قرآن کریم نمی باشد!
۴۲۴ ♦ ۱۷۳ کرامت کرامت های ساینده خط قرآن کریم در اندونزی
۴۲۵ ♦ ۱۷۴ قرآن کریم، مستغنی ترین عامل وحدت میان مسلمانان
۴۲۶ ♦ ۱۷۵ فعالیت های قریم، عامل قدس در کشور حافظان قرآن!
۴۲۷ ♦ ۱۷۶ مدرسه القرآن در مکه
۴۲۹ ♦ ۱۷۷ بانوان شیعه؛ پیششار در حفظ قرآن کریم
۴۳۱ ♦ ۱۷۸ تصحیح نگاه اهل سنت و کیه به شیعیان
۴۳۲ ♦ ۱۷۹ در سرزمین وحی ورود قرآن ممنوع!
۴۳۴ ♦ ۱۸۰ عشقی وصف ناپذیر در تهیه ی بهترین مصحف شریف
۴۳۹ ♦ بخش ششم / محرم و عاشورا در دیگر کشورها

- ۴۴۲ ♦ ۱۸۱ عزاداری با آتش در پاکستان
۴۴۳ ♦ ۱۸۲ دوری از رفاهیات در محرم
۴۴۳ ♦ ۱۸۳ منزل پدر؛ بهترین مکان برای عزاداری پسر!
۴۴۶ ♦ ۱۸۴ تیغ زنی بجای زنجیر زنی!
۴۴۷ ♦ ۱۸۵ عاشورای شهر بزرگ کراچی
۴۵۰ ♦ ۱۸۶ بنیان گذاری مراسم عاشورا در ازبکستان
۴۵۱ ♦ ۱۸۷ اسلام عرفانی در بنگلادش
۴۵۲ ♦ ۱۸۸ عزاداری شیعیان در سانوپانولو
۴۵۴ ♦ ۱۸۹ آیا امام حسین (ع) فقط برای شیعیان است یا برای انسانیت؟!
۴۵۶ ♦ ۱۹۰ شرکت در مراسم مخفیانه ی اربعین حسینی در تونس
۴۵۴ ♦ ۱۹۱ عاشورا روز عید یا روز حزن؟!



- ۴۶۱ ♦ اربعین حسینی در جزیره ی زنگبار
- ۴۶۳ ♦ کابل؛ بانک خون امام حسین (ع)
- ۴۶۵ ♦ عزاداری عاشورا در اجتماع اهل سنت!
- ۴۶۷ ♦ مشارکت شیعه و سنی در عزاداری تپه سلام
- ۴۶۹ ♦ در افغانستان علم حضرت عباس نباید روی زمین بماند!
- ۴۷۲ ♦ عاشورای خونین در پوهتون کابل؟!
- ۴۷۵ ♦ عاشورای زینیه!
- ۴۷۷ ♦ مراسم عاشورا در سرزمین شام!
- ۴۸۰ ♦ قصر یزید؛ حرم دیگری برای امام حسین (ع)
- ۴۸۳ ♦ کمپین برای "حسین کیست"؟!
- ۴۸۴ ♦ حرارت جسم خوردن در حرم حضرت عباس (ع)
- ۴۹۱ ♦ بخش هفتم / در ساله ای بی شریعت!
- فصل اول - عدم اسلام با ظواهر شریعت:
- ۴۹۴ ♦ ذبح شرعی در بیشکک
- ۴۹۴ ♦ روزه داران بی حجاب!
- ۴۹۶ ♦ برزیلی ها با دین خوب کتاب آسمانی را میزنند!
- ۴۹۹ ♦ مسلمان برزیلی شده؟!!
- ۵۰۱ ♦ حاکمیت شریعت بر ذبح گاوها!
- ۵۰۳ ♦ در برزیل گوشت مذکرها گران تر از غیره است!
- ۵۰۵ ♦ تشابه فرهنگی ایران و برزیل؟!!
- ۵۰۷ ♦ ربوبی زن و مرد نامحرم با یکدیگر!
- ۵۱۰ ♦ شریعت، قربانی واقعی عید قربان!
- ۵۱۳ ♦ نامزدهای ۱۲ ساله؟!!
- ۵۱۴ ♦ "أذ القرض و انتقب الأرض!"
- ۵۱۶ ♦ شریعت در سن جوانی و نوجوانی بی معناست!
- ۵۱۸ ♦ ده سالگی سیگار؛ چهارده سالگی مشروب!
- ۵۲۲ ♦ زنان و مردان؛ در زیارتگاه جدا و در ساحل دریا با هم؟!!
- ۵۲۴ ♦ صخره ی روشه؛ قاتل عشاق!
- ۵۲۶ ♦ لبنان؛ مهد ازدواج سپید
- ۵۲۸ ♦ استحباب شراب خواری در کنار جنازه ی میت؟!!
- ۵۳۰ ♦ مذهبی ترین شهر دنیا؟!!



فصل دوم- وضعیت حجاب و عفاف در کشورهای اسلامی

- ۵۳۳ ۲۲۱* فقدان ایدئولوژی پس از فروپاشی کمونیسم
- ۵۳۴ ۲۲۲* مراسم دعا و جشن حجاب
- ۵۳۵ ۲۲۳* اسلام‌ستیزی شوروی در آذربایجان
- ۵۳۶ ۲۲۴* اندر حکایت حجاب در یک کشور اسلامی!
- ۵۳۸ ۲۲۵* حجاب هندی در اندونزی!
- ۵۳۸ ۲۲۶* حجاب اسلامی در افغانستان
- ۵۳۹ ۲۲۷* بی‌حجابی در غرب؛ آرایش در شرق!
- ۵۴۰ ۲۲۸* مگر بانوان علوی تکلیفی برای حجاب ندارند؟!
- ۵۴۱ ۲۲۹* زنان به مسجد با بدن لخت!
- ۵۴۲ ۲۳۰* نوابیما محل مناسبی برای پرو لباس!
- ۵۴۳ ۲۳۱* بیرون رفتن فرزندان مسلمانان در برزیل

بخش هشتم- آشنایی با برخی از مراکز آموزشی در کشورها

- ۵۵۵ ۲۳۱* مدرسه‌ی ممتاز اسماعیلیه
- ۵۵۸ ۲۳۲* مرکز آموزش اسلامی در قلب یک کشور اسلامی!
- ۵۵۹ ۲۳۳* مدارس علوم دینی بنگلادش
- ۵۶۱ ۲۳۴* برگزاری کرسی درس اهل شرقی در آمریکای لاتین
- ۵۶۵ ۲۳۵* بازدید از جامعه‌الزیتونه
- ۵۶۶ ۲۳۶* ارائه‌ی آموزش‌های اسلامی در جامعه‌الزیتونه
- ۵۷۰ ۲۳۷* آشنایی با برخی از دانشگاه‌های تونس
- ۵۷۵ ۲۳۸* بازدید از کتاب‌خانه‌ی ملی تونس
- ۵۷۶ ۲۳۹* مدرسه‌ی دختر مسلمان!
- ۵۷۹ ۲۴۰* مناس؛ رستم قرقرستان!
- ۵۸۰ ۲۴۱* دبیرستان ۴۰۶۰ دلاری!
- ۵۸۲ ۲۴۲* لاگوس؛ شهر فرهنگ و سرقت!
- ۵۸۳ ۲۴۳* از بیجینگ تا ایجان!
- ۵۸۵ ۲۴۴* دانشگاه اسلامی سای
- ۵۸۷ ۲۴۵* برای دقایقی کمک‌خلبان شدم!
- ۵۹۰ ۲۴۶* تعطیل عمومی کشور به علت ۶/۶؟!
- ۵۹۳ ۲۴۷* حوزه‌ی علمیه‌ی قم‌سیتی!
- ۵۹۴ ۲۴۸* دهکده‌ی آموزشی ویپاس
- ۵۹۵ ۲۴۹* سازمان بلال مسلم میشن
- ۵۹۷ ۲۵۰* صعود به قله‌ی کالیمانجاروا!





سخن ناشر

خاطره‌نویسی شیوه‌ای برای زنده نگه داشتن تجربه‌ها و خاطرات یک ملت است تا هم‌چون چراغی فراروی آفرینش‌های هنری و ادبی نسل‌های آینده قرار گیرد. در اساتید عارف و شاعران ایرانی، خاطره‌نویسی به مفهوم کنونی آن، از اواسط دوران قاجار به دلیل رویارویی ایرانیان با غرب و آشنایی با فرهنگ و ادبیات اروپایی‌ها شکل گرفت و به ویژه پس از انقلاب از آن بخوبی استقبال کردند. در دوره‌ی پهلوی نیز بیش از گذشته بر این گونه‌ی ادبی توجه شایسته‌ای بعمل آمد.

هم‌چنین بدنبال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، مجلات، کتاب‌ها و روزنامه‌ها پر از خاطرات مردم از رویدادهای آن زمان گردید. با پایان یافتن جنگ تحمیلی و دفاع مقدس نیز فصل نوینی از خاطره‌نویسی در این مرز و بوم آغاز گردید و خاطرات ابرازی برای بیان آرمان‌ها و اهداف رزمندگان اسلام، فضا و شرایط حاکم بر جبهه‌ها و مشکلات و دشواری‌های جنگ شدند.

اینک به نظر می‌رسد چنان‌چه خاطره‌نویسی به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود و صرفاً مختص به رجال مشهور سیاسی نگردد، آن‌گاه موجب خیاوشیم شد که چه زمینه‌ی فرهنگی ارزشمندی را برای توسعه و پیشرفت اجتماعی تدارک دیده‌ایم. امروزه با توجه به آثار گران‌قدری هم‌چون سفرنامه‌ی ناصر خسرو قبادیانی، سفرنامه‌ی ابن بطوطه و یا سفرنامه‌ی مارکوپولو اطلاعات بی‌ظیری در باب شیوه‌ی زیستن انسان‌ها و هم‌چنین طرز تفکر آنان نسبت به زندگی در زمان‌های گذشته به‌دست می‌آید. با توجه به دستاوردهای عظیم





تاریخی، مذهبی، ادبی و اجتماعی هر کدام از این آثار می‌توان به اهمیت این چنین انواع ادبی پی برد.

خاطره‌نویسی را نمی‌توان از سفرنامه‌نویسی جدا کرد. رابطه‌ی زندگی‌نامه و خاطره‌نگاشته و هم‌چنین رابطه‌ی سفرنامه و خاطره‌نگاشته، رابطه‌ی عموم و خصوص است. نوشتن خاطرات در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه‌های شغلی و خانوادگی نیز امکان‌پذیر است. نوشتن خاطرات و سفرنامه‌ها عمری طولانی دارد و به نظر راهی درست برای انتقال تجربیات و یافته‌ها از نسلی به نسل دیگر می‌باشد.

گروهی برای خاطره، تعریف‌های زیادی صورت گرفته است لیکن مهم‌ترین و جامع‌ترین آن‌ها این است که گفته شود خاطره، بازنویسی صحنه‌ها و وقایع مهمی است که نویسنده خود آن‌ها را مشاهده یا تجربه کرده است. به عبارت دیگر خاطره، یکی از انواع ادبی و گونه‌ای از نوشتار است که نویسنده در آن، صحنه‌ها یا وقایعی که در زندگی‌اش روی داده و در آنها نقش داشته یا شاهدشان بوده است را شرح می‌دهد.

خاطره‌نویسی یکی از عام‌ترین و وسیله‌ترین راه‌ها برای انتقال حس به وسیله‌ی نوشتن است و هرکس می‌تواند با رعایت اصولی ساده و قواعدی محدود، به ساده‌ترین شکل، اتفاقات مهم زندگی خود را ثبت کند و خاطرات تلخ و شیرین زندگی هم‌چون پیروزی‌ها و شکست‌ها، تجربیات تکرار ناشدنی، حوادث مهم و عواطف و احساسات را ماندگار نماید.

اصولا خاطره‌نویسی و خاطره‌خوانی از جذاب‌ترین ژانرها می‌باشد. هدف از خاطره‌نویسی این است که بر زوایای تاریک تاریخ نور می‌اندازد و آن را روشن‌تر و در دسترس‌تر می‌کند و هم‌چنین امکان تجربه‌آموزی مستقیم را به دیگران می‌دهد. یکی از منابع اصلی رازگشایی تاریخ صدسال گذشته‌ی کشور متمدن ما، دقت در خاطرات و سفرنامه‌ها و مطابقت دادن وقایع با یکدیگر



است. خاطره‌خوانی و خاطره‌نویسی برای ارتقای مدیریت، سیاست، اقتصاد و فرهنگ لازم و ضروری است و بدین سبب این ژانر می‌باید جدی گرفته شده و تقویت شود.

«جامعه المصطفی العالمیه» که برای نشر معارف اسلام ناب محمدی (ص) «مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)» را تأسیس کرده است، افتخار دارد که چاپ این اثر هنری و تاریخی مبادرت ورزد و از رهگذر انتشار خاطرات ارزشمند و سفرنامه‌های تأثیرگذار، زمینه‌ی هرچه بیشتر را برای آشنایی جوانان برون‌گرا با فرهنگ و معارف ناب اسلامی فراهم آورد.

اثر حاضر با عنوان «آن سوی خاطرات» به قلم فاضل گرامی جناب آقای حسن بسطامی (تثتبع) که از دانش‌آموختگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشد، کوششی است در به ثمر رساندن بعضی از این اهداف متعالی. در پایان لازم می‌دانیم تلاش تمامی عزیزانی که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، ارباب فضل و معرفت را باری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده‌ی خویش بهره‌مند گردانند.

مرکز بین المللی ترجمه

و نشر المصطفی (ص)

به جای مقدمه:

در آغاز سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶ در حالی که تنها شانزده بهار را پشت سر گذارده بودم به مدرسه‌ی علمیه‌ی آیه‌الله مجتهدی^(ع) که آن زمان به مدرسه‌ی علمیه‌ی ملا محمد جعفر ملقب بود، وارد شدم تا رسماً طلبه شوم و به تحصیل دروس بنده اهتمام ورزم. حضرت استاد همواره نصایح و خاطراتی از دوران طلبگی خویش و نیز از اساتید بزرگوارش برایمان تعریف می‌کرد و تأکید می‌نمود که آن را یادداشت کنیم تا بعدها برای خود و اطرافیان مان بکار آید، اما آن روزها ما جوانان خام بودیم و اهمیت خاطره‌نگاری را درک نمی‌کردیم و به همین خاطر به توصیه‌ی استاد ترتیب اثر ندادیم؟

هنوز چند صبحی پیش از آغاز طلبگی مان نگذشته بود که با شهادت مرحوم آیه‌الله سید مصطفی خمینی^(ع) شعله‌های انقلاب اسلامی بخصوص در تهران زبانه کشید و ما که سرمان در آتش درد برای شور و هیجان و انقلاب، در صحنه‌های مختلف نهضت حضور پیدا کردیم ولی دریغ از این که یک خط خاطره از این ایام حساس و پر خاطره بنگریم؟^۱ چندی هنوز خام بودیم و بی‌تجربه!

درست زمانی که می‌خواستیم در حوزه قد بکشیم و به درس لمعه و اصول فقه حاضر شویم، از زمین و آسمان بر کشور عزیزمان حمله کردند و انقلاب شکوهمندمان را هدف گرفتند! ما نیز بارها در جبهه‌های حق علیه باطل حاضر شدیم و در کنار جوانان عزیزمان گاه منبر رفتیم و گاه جنگیدیم اما باز تنها کاری را که از آن شانه خالی کردیم، نوشتن خاطراتی از رشادت و غیرت و ایمان و مظلومیت جوانانی بود که در نزدیکی ما در خون خود غوطه‌ور



شدند و آه نگفتند!!

در همین اثنا بود که در اداره‌ی مدرسه‌ی علمیه‌ی آیه‌الله مجتهدی با تشکیل یک شورای مدیریتی ایفای نقش کردم. سپس به خوزستان رحل اقامت بردم و مدیر و مدرس مدرسه‌ی علمیه‌ی مسجدسلیمان شدم و از این رگذر خاطرات تلخ و شیرینی را تجربه کردم و یادداشت‌هایی در سر ریس‌ها بوشتم، ولی در عین حال به تنها چیزی که نمی‌اندیشیدم نگارش و تدوین خاطراتم بود! گرچه هنوز در این دوران جوان بودم و بیست و پنج بهار را بیشتر شاید نشد بودم اما این بار ننوشتن از سر خامی و جوانی نبود بلکه گمان می‌کردم که وقت گیر و بی‌فایده‌ای است و معلوم نیست که چه زمانی بکار آید و چه کسی صاحب آن باشد!؟

پس از رحلت جانگداز بزرگوار نظام مقدس جمهوری اسلامی مرحوم امام خمینی^(ره) که متأسفانه از آن حادثه‌ی اسفناک هم خاطره‌ای ننوشتم، به عنوان نماینده‌ی طلاب و فضلاء تهرانی طی دو دوره در مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم ایفای نقش نموده و به هیئت رئیسه‌ی آن راه یافتم، و این بار سعی وافری بکار بستم و مطالب سرزمندی را در باره‌ی حوزه و ضرورت اصلاحاتی در آن نگارش کردم و برای یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آن ایام فرستادم ولی مقبول نیافتاد و منتشر نگردید. مرا در این گمان که این‌گونه کارها وقت گیر و بی‌فایده‌ست، تأیید نمود!

طی همین سال‌ها در ایام تبلیغی ماه محرم و ماه مبارک رمضان و حتی در فصل تابستان که درس‌های حوزه‌ی علمیه‌ی قم تعطیل می‌شدند، به بسیاری از استان‌ها و شهرها و نیز به برخی از روستاهای کشور سفر کردم و ضمن ایفای نقش به‌عنوان یک مبلغ دینی، از میان آداب و رسوم مختلف مردم چیزهای فراوانی را آموختم اما انگیزه‌ای برای نوشتن آن‌ها نداشتم و فایده‌ای



را بر آن مترتب نمی‌دیدم! گرچه باید اعتراف کنم که بی‌برنامه‌گی و تنبلی نیز مزید بر علت بود که اکنون چاره‌ای جز تأسف و اندوه برای آن ندارم.

البته چون به نویسندگی علاقه‌مند بوده و هستم، بجای صرف وقت برای نوشتن خاطرات به نگارش مقالاتی پیرامون انقلاب اسلامی و برخی از اقدامات مهم آن همت گماردم که بسیاری از آن‌ها در فصلنامه‌هایی که در آن خصوص انتشار می‌یافتند، چاپ و منتشر گردیدند.

ناگفته نماند که پس از گذشت سال‌ها، چندی پیش مسئولان مدرسه‌ی علمی و معنوی و مجدسایمان تصمیم گرفتند تا مراسم بزرگداشتی را برای حوزه و مسئولان پیشین آن برگزار نمایند و در این راستا از بنده و سایر مدیران و اساتید پیشین درخواست کردند تا خاطرات خود را در قالب انجام مصاحبه یا نگارش، تحویل دهند تا در مجموعه‌ای تدوین شده و انتشار یابد.

در این هنگام بعلت فرمودی که برایم میان دو مأموریت پیش آمده بود؛ یعنی از مأموریت سوریه بازگشته بودم و هنوز به مأموریت برزیل نرفته بودم، با استفاده از سررسیدهایی که در آن سال‌ها یادداشت‌هایم را در آن‌ها نوشته بودم، اقدام به نگارش خاطراتم نموده و در نهایت حدود ۱۵۰ صفحه‌ی رقی و تایپ‌شده تهیه و تحویل دادم. اما این بار نیز بعلت از حجم مطالب زیاد شده بود و آنان در نظر داشتند از هرکس تنها مطالب اندکی دریافت نمایند و در یک مجموعه منتشر کنند، از چاپ خاطرات بنده صراحتاً منع کردند و در بی‌انگیزه‌تر کردن من در عدم نگارش خاطرات نقش بسزایی را ایفا نمودند! خدا خیرشان دهد!

شاید به همین خاطر طی سال‌های پس از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ که به تهران می‌رفتم و در دانشگاه تدریس می‌کردم و حوادث بیشماری را از نزدیک شاهد بودم، دیگر همت نکردم تا خاطره‌ای را نگارش کنم و امیدی کاذب به

چاپ و نشر آن داشته باشیم؟ و باز هم شاید به همین علت بود علیرغم این که طی افزون بر بیست سال حدود سی بار به حج و عمره به عنوان روحانی کاروان مشرف شدم، باز هم از نوشتن خاطرات بسیارم طفره رفتم و به روی مبارک هم نیاوردم!

تا آنکه دست تقدیر مرا به سفرهایی بدان سوی آب‌ها کشانید و این بار نه به عنوان گزارش‌خاطره و بلکه به عنوان گزارش سفر و یک وظیفه‌ی سازمانی به نگارش فعالیت‌ها و برنامه‌های سفرهایم اهتمام ورزیدم. برای بنده که ایام تبلیغی دهه، شصت را عمدتاً به حضور در مناطق جنگی و مرزی گذرانده بودم، و در دهه‌ی هفتاد توفیق تبلیغ در شهرها و روستاهای کشورمان را پیدا کرده بودم، فرصت مغفمی بود تا دهه‌ی هشتاد را به حضور در بیست و پنج کشور اسلامی و غیراسلامی رهبری کنم و تجربیات فراوانی را از این رهگذر اندوخته نمایم.

اما در عین حال هیچ برنامه و انگیزه‌ای برای تدوین و انتشار گزارش سفرهایم نداشتم. زیرا گزارش‌هایی را که از سفرهای مختلف تهیه کرده‌ام برخی مطالبش محرمانه است و در سطح عموم قابل انتشار نمی‌باشد، و برخی دیگر در خصوص مسائل خاص یک مرکز آموزشی یا پژوهشی است و برای عموم نمی‌تواند مفید باشد، و بخش سوم را اخبار و گزارش‌هایی شایع می‌شود که تاریخ استفاده از آن‌ها گذشته است و برای روزگار کنونی ما بکار نخواهد آمد!

تا این که دهه‌ی نود فرا رسید و بنده در سال‌های پایانی دهه‌ی هشتاد و در کنار مسئولیت‌هایی که برعهده داشتم در صدد پاسخ‌گویی به یک شوق دیرینه برآمدم و وقت بسیاری را در مطالعه و نگارش رمان اختصاص دادم. البته سفارش‌ها و تأکیدات مقام معظم رهبری نسبت به اهمیت رمان و جایگاه



هنر که در مواقع مختلفی اظهار می‌داشتند، در این مهم بی‌تأثیر نبود از این رو به نحوی تلاش کردم تا جبران مافات نموده و خاطرات نانوشته‌ام را به طریقی نوشته نمایم بر این اساس در تدوین برخی از رمان‌هایم از خاطرات سه دهه‌ی گذشته مایه گرفتم و تاکنون سه مجموعه آماده نموده‌ام که در واقع تلفیقی از رمان و خاطره شده است؛ به همین خاطر همواره نگرانم تا با یاد رمان‌نویسان عزیز، این مجموعه‌ها را تنها روایت‌گری و خاطره‌نگاری قلمداد نمایند و نه رمان، و خاطره‌نویسان و روایت‌گران گرامی، آن‌ها را تنها در دایره رمان قابل ارزیابی بدانند و نه خاطره‌نگاری؟!

تاکنون این سه مجموعه تنها یکی با عنوان «فرستی دوباره» انتشار یافته است که در آن از خاطرات مختلف تبلیغی بخصوص از مسجد محله‌مان و از نوبت‌هایی که در اعتکاف حضور داشته‌ام بهره گرفته‌ام. هم‌چنین در نگارش رمان «سمان شب چهارشنبه» از خاطرات سال‌های حضور برای تدریس در دانشگاه و نیز برخی از برناو‌هایی که در مسجد مقدس جمکران داشتم، استفاده کرده‌ام. و در نگارش رمان «میکاف نند تین» از خاطرات سفرهای حج و عمره بهره‌ی وافر برده‌ام.

القصه روزگار گذشت تا این‌که در تابستان سال ۱۳۸۲ برنامه‌ی «نخستین جشنواره‌ی خاطره‌نگاری اشراق» ویژه‌ی ثبت، تدوین و انتشار خاطرات تبلیغی طلاب و فضلاء حوزه‌های علمیه اعلام گردید. چندی بعد به احترام این جشنواره جناب آقای اکبری دیزگاه که از پیشینه‌ی بنده نسبت به نویسندگی و سفرهای خارج از کشور اطلاع داشت، تماس گرفت و بر ضرورت مشارکت در این فعالیت فرهنگی- هنری و نیز استفاده‌ی بهینه از فرصت به‌وجودآمده برای نشر خاطرات و تجربیات سفرهای خارجی تأکید نمود.

نخست برای جناب ایشان توضیح دادم که بنده در سفرهای متعددی که



به کشورهای مختلف داشته‌ام خاطره‌نویسی نکرده‌ام تا از این فرصت برای نشر آن‌ها استفاده نمایم، بلکه گزارش سفر نوشته‌ام که برخی از مطالبش قابل نشر نمی‌باشد و برخی دیگر نیز معلوم نیست تا چه پایه‌ای بتواند برای عموم مردم مفید باشد. اما ایشان اظهار داشت بالاخره در میان صدها صفحه یادداشت از کشورهای مختلف، دویست سیصد صفحه مطالب سودمند و قابل انتشار یافت می‌شود!

و این چنین شد که «با علی» گفتم و مطالعه‌ی حدود سه هزار صفحه از گزارش‌های سفرهایم آغاز شد! سپس بر اساس بخش‌های هشت‌گانه‌ای که در فهرست کتاب ملاحظه می‌کنید، مطالب مرتبط و سودمند را استخراج کردم و آن‌گاه به تدوین و یکسری سانی آن اهتمام ورزیدم.

گرچه سعی کرده‌ام خاطراتم منتهی و از تمامی کشورهایایی باشد که بدان‌ها سفر داشته‌ام لیکن از سه کشوری که مدت بیشتری در آن‌ها اقامت داشته‌ام کمتر نوشته‌ام زیرا در نظر دارم برای هر کدام از این سه کشور خاطرات مستقلی را تدوین و ارائه نمایم. این کشورها، ایران، افغانستان و تونس را شامل می‌شود و امیدوارم فرصت یابم و بتوانم در این خصوص نیز مطالب سودمند و تازه‌ای را تقدیم نمایم.

اینک آرزو می‌کنم که توانسته باشم بخشی از دین خود را در این فرصت ادا کرده و در قبال وقتی که خوانندگان محترم صرف مطالعه‌ی این خاطرات می‌نمایند نکات ارزشمندی را در اختیارشان گذاشته باشم. البته مطالعه‌ی این خاطرات شما را از رفتن بدین کشورها مستغنی نمی‌نماید بلکه موجب می‌شود تا چنانچه گذرگان بدان‌ها افتاد با آگاهی و دورنمایی که به‌دست آورده‌اید از سفرتان بیشتر و بهتر استفاده کنید.

لازم به یادآوری است که در این خاطرات از اشخاص زیادی به مناسبت‌های



مختلف یاد کرده‌ام و بدیهی است که نام بردن از آنان به معنای تأیید تمامی افکار و رفتار اجتماعی و سیاسی آنان نمی‌باشد.

ناگفته نماند که در تاریخ ۱۲ اسفند سال ۱۳۹۴ مراسم اختتامیه‌ی جشنواره‌ی خاطره‌نگاری اشراق به همت مرکز فرهنگی و هنری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم برگزار گردید و بر اساس گزارش دبیر جشنواره ۴۱۰ اثر رسیده بدان مورد ارزیابی اولیه قرار گرفتند و از میان آن‌ها ۷۰ اثر به داوران نهایی راه یافتند. سپس هیئت داوران ۱۸ اثر را از میان این آثار بعنوان اثر برگزیده و شایسته‌ی تقدیر معرفی نموده و مورد تجلیل قرار داد که بحمدالله نظر این جانب در بخش سفرنامه بعنوان رتبه‌ی دوم برگزیده گردید.

با آرزوی کامیابی و سرافرازی

بهار ۱۳۹۵ - قم - حسن بسطامی